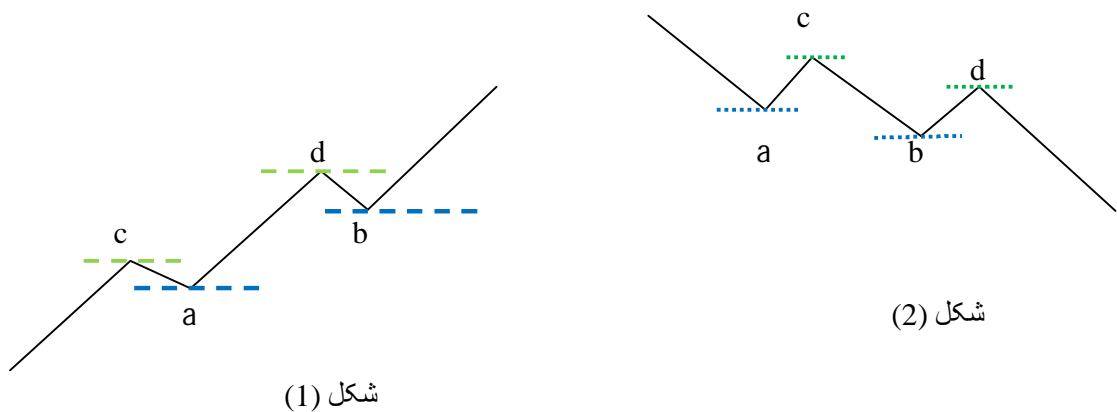
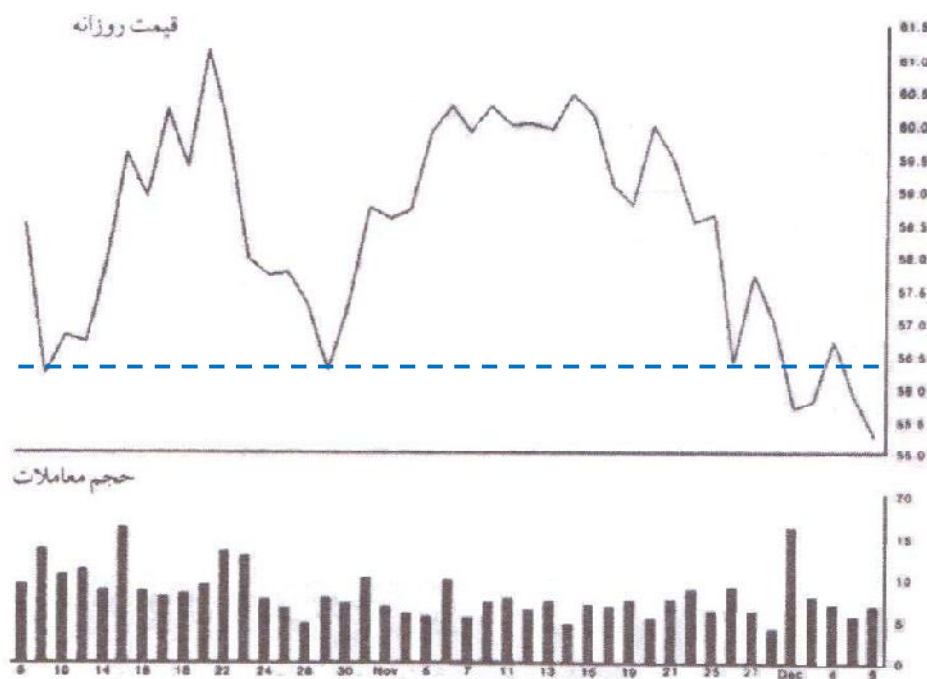


خطوط حمایت و مقاومت یا همان ساپورت و رزیستانس

حال که با ترند آشنا شده اید مطلب مهم بعدی که باید بیاموزید عبارتست از خطوط حمایت و مقاومت یا همان ساپورت و رزیستانس. اگر مفهوم دو واژه اصلی سطح حمایتی و سطح مقاومتی سهام را بیاموزید درک بهتری از زمان خرید و فروش سهام خواهید داشت. سطوح حمایت و مقاومت همواره در نمودارهای سهام اتفاق می افتد، بنابراین جدا از اینکه شما چه روشی در تحلیل فنی به کار گرفته اید اگر می خواهید سرمایه گذار موفق باشید باید بتوانید به مفهوم این دو اصطلاح در هر نمودار سهام پی ببرید.

در مبحث پیشین گفتیم که قیمت بصورت یکسری از امواج صعودی و نزولی (که آن هم بخاطر تغییر مداوم عرضه و تقاضا و رقابت آن دو باهم میباشد) حرکت میکند. حال میخواهیم این امواج صعودی و نزولی را نامگذاری کنیم و همزمان مفهوم مهم مقاومت و حمایت را معرفی کنیم. پایین ترین قیمت در موج نزولی را حمایت مینامیم. منظور از حمایت، محدوده یا سطحی است که در آن تمایل به خرید آنقدر قوی هست که بر فشار فروش غلبه کند. به عبارت دیگر در این نبرد، فشار تقاضا (خرید) بر فشار عرضه (فروش) غلبه کرده و به بیان ساده "خریداران نبرد را خواهند برد". نتیجه این امر آنست که شیب نزول به صفر میرسد و قیمت دوباره افزایش می یابد. سطح حمایت را در اغلب اوقات میتوان از روی موج نزولی پیش از آن تشخیص داد. در شکل زیر، نقاط a و b (خطوط آبی رنگ) نشان دهنده سطح حمایت در یک روند صعودی (شکل 1) و یک روند نزولی (شکل 2) میباشد.





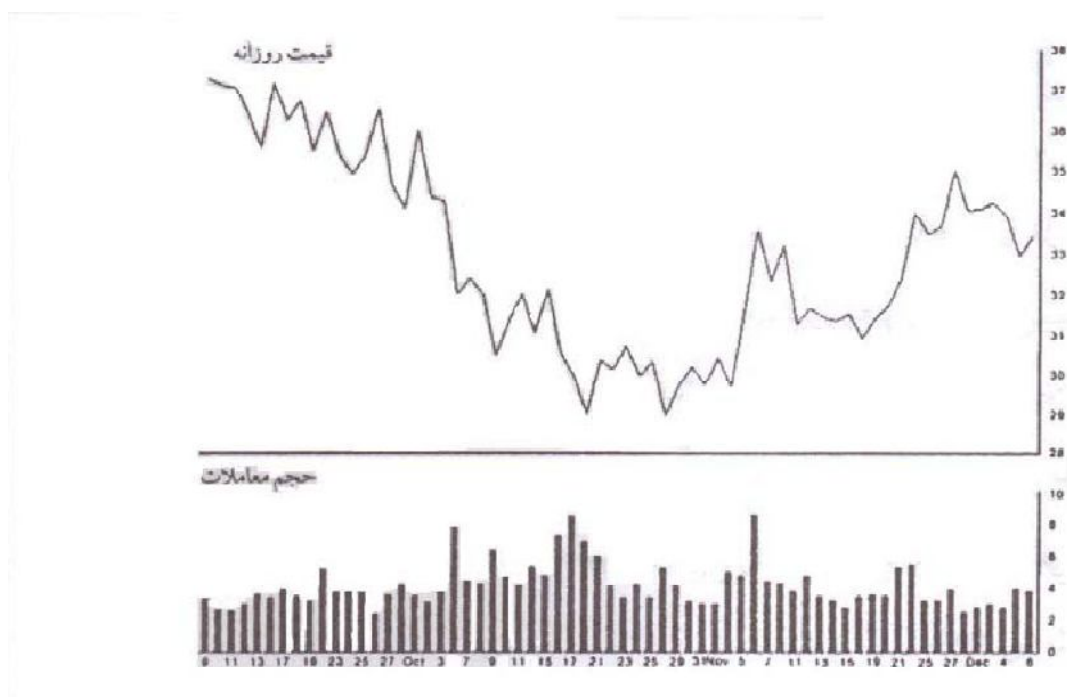
شکل (3)

اکنون شکل (3) را بررسی میکنیم. این شکل روند سه ماهه گذشته سهم را نشان می دهد شما می توانید سطح حمایتی این نمودار را که برای هر سهم بین 56 تا 57 دلار است مشاهده کنید؛ در این نمودار سطح حمایتی قیمت هر سهم 56.5 دلار است یعنی قیمت این سهام سه بار قبل از سیر معکوس به این قیمت رسیده است (خط آبی رنگ). در واقع پس از طی دوره زمانی در این نمودار، سهام مذکور نتوانست قیمت 56 یا 56.5 دلار را حفظ کند و در نتیجه ارزش این سهم سقوط کرده، در چنین مواردی تحلیلگران می گویند: "سهام، سطح حمایتی را شکست". این افت قیمت نشانه خوبی برای این سهم نیست و به این معناست که تعداد خریدار کافی برای حمایت از آن سهم وجود ندارد. به اعتقاد تحلیلگران، این سهم به سمت افت بیشتر پیش می رود یعنی سطح حمایت این سهم همچنان رو به کاهش می رود و این کاهش سطح حمایت نتایج خوبی برای یک سهم (حداقل برای کوتاه مدت) به بار نخواهد آورد.

در سال 1990 سهام سیسکو سیستم (CSCO) یکی از پرطرفدارترین سهام ها در ایالات متحده بود و همه سرمایه گذاران مایل به خرید سهام این شرکت بودند. تحلیل گران فنی، با آنکه این سهام بسیار پرطرفدار بود سطح حمایت این سهم را تحلیل کردند که این سطح برای هر سهم 50 دلار بود. هر زمان که سهام CSCO دچار افت قیمت می شد و به 50 دلار می رسید دوباره قیمت آن ترقی میکرد. سیسکو در اوایل سال 2000 سطح حمایت را شکست و به کمتر از 50 دلار رسید. در نتیجه بسیاری از دلالتان که تکنیکی عمل می کردند کلیه سهام شان را فروختند و

همین حرکت موجب شد ارزش این سهام همچنان کمتر و کمتر شود تا اینکه سرانجام به قیمت هر سهم 10 دلار در سال 2002 برسد. به نظر تحلیلگران فنی با ارزش بودن یا نبودن سهام از نظر بنیادی و میزان علاقه شما به آن سهم اهمیت چندانی ندارد؛ آنچه اهمیت دارد این است که وقتی يك سهم با وجود برخورداری از افزایش حجم معاملات، سطح حمایت خود را شکست، زمان خداحافظی با آن سهم است.

تعریف مقاومت برعکس حمایت میباشد؛ بدین معنا که مقاومت، محدوده یا سطحی از قیمت است که در آن فشار عرضه (فروش) بر فشار تقاضا (خرید) غلبه میکند و قیمت رو به کاهش میگذارد. به بیان دیگر، بالاترین قیمت در موج صعودی مقاومت نام دارد و در اینجا " فروشندگان نبرد را میبرند". سطح مقاومت را غالباً میتوان از روی موج صعودی پیش از آن تشخیص داد. در شکلهای بالا، نقاط c , d (خطوط سبز رنگ) سطوح مقاومت را نشان میدهند.



شکل (4)

در شکل (4) نمونه ای از سطح مقاومت سهم نشان داده شده است. در این مثال سهام بوئینگ (BA) سعی در شکستن سطح مقاومت سهام تا قیمت 37 دلار هر سهم در سپتامبر داشت و وقتی نتوانست این سطح مقاومت را بشکند کوشید قیمت 36 دلار برای هم سهم را بشکند. وقتی فروشندگان این سهم تلاش کردند تا از افزایش بیشتر قیمت آن جلوگیری کنند قیمت این سهام به سطح حمایت 29 دلار رسید. اگر بوئینگ قادر به بالاتر رفتن از قیمت 37 دلار می شد، تحلیلگران فنی می گفتند: سهام توانست از سطح مقاومت خود عبور کند و این گفته بدان معنی است که این سهام از ارزش بالایی برخوردار است و می توانید آن را خریداری کنید. شکستن سطح مقاومت سهام

و افزایش قیمت آن در بازارهای رو به ترقی همواره امکان پذیر است. بدین ترتیب بسیاری از دلالتان حرفه ای همواره در انتظار شکستن سطح حمایت یا سطح مقاومت سهام قبل از انجام هرگونه معاملاتی هستند.

هشدار: با اینکه یادگیری و به کارگیری الگوهای تحلیلی فنی بسیار جذاب است اما در عمل این کار ساده نیست. برای مثال ممکن است یک نوع سهام سطح مقاومت را بشکند و در جهت افزایش قیمت حرکت کند. اما از بخت بدشما، همین که سفارش خرید دادید ناگهان روند سهام معکوس شود و تا چندین واحد افت کند! "تحلیل فنی روی کاغذ به ظاهر آسان به نظر می رسد اما به کارگیری آن در دنیای واقعی، مهارت خاصی می طلبد".

درک درست مفاهیم حمایت و مقاومت برای یادگیری کامل مفهوم روند لازم و اساسی است. برای ادامه روند صعودی هر سطح حمایت جدید باید بالاتر از سطح حمایت قبلی تشکیل شود. سطوح مقاومت نیز باید هرکدام بالاتر از قبلی شکل بگیرد.

اگر در یک موج صعودی سطوح حمایت مکرر در سطح حفره (نقطه مینیمم) قبلی خود تشکیل شود میتوان آنرا نشانه زود هنگامی از به پایان رسیدن موج صعودی و یا حداقل تبدیل شدن آن به روند مستقیم تلقی کرد. اگر سطح حمایت شکسته شود (از حمایت قبلی خودش پایین تر بیاید) تبدیل روند صعودی به نزولی بسیار محتمل است. در روند هر بار که قیمت به مقاومت قبلی میرسد یک وضعیت بحرانی برای روند پیش می آید. ناتوانی در عبور از سطح مقاومت قبلی در روند صعودی و یا ناتوانی از گذشتن از سطح حمایت قبلی در روند نزولی اغلب نخستین اخطار درباره تغییر روند موجود میباشد.

در مباحث آینده در قسمت الگوهای قیمتی نشان میدهم که چگونه از نتیجه برخورد قیمت به این سطوح حمایت و مقاومت در روی نمودار میتوان پیش بینی کرد که آیا روند باز میگردد یا اینکه صرفاً توقف در روند موجود رخ داده است. در هر صورت اساس تشکیل الگوهای قیمت مبتنی بر همین سطوح حمایت و مقاومت است.

تبدیل سطوح حمایت و مقاومت به یکدیگر

پیش از این حمایت را سطح پایین موج نزولی و مقاومت را سطح بالایی موج صعودی معرفی کردیم؛ ولی همیشه این طور نیست. هرگاه قیمت در داخل سطوح حمایت و مقاومت به اندازه کافی نفوذ کند نقش این سطوح معکوس شده و به یکدیگر تبدیل میشوند. به بیان دیگر سطح مقاومت تبدیل به سطح حمایت و سطح حمایت تبدیل به مقاومت میشود. برای درک بهتر این اتفاق بهتر است بحث روانشناسی حمایت و مقاومت را مطالعه کنید.

روانشناسی حمایت و مقاومت

برای روشن شدن مطلب اجازه دهید افراد حاضر در بازار را به سه دسته طبقه بندی کنیم: خریداران، فروشندگان و افراد بی تصمیم. خریداران کسانی هستند که از قبل خرید کرده اند. فروشندگان در آستانه فروش که آماده فروش هستند و معامله گران بدون تصمیم کسانی هستند که نمیدانند آیا باید خرید کنند یا فروش انجام دهند.

فرض کنید که قیمت از سطح حمایت قبلی که مدتی در آنجا نوسان داشته است شروع به رشد کند. خریداران (کسانی که نزدیک خط حمایت خرید کرده اند) بسیار راضی به نظر می‌آیند ولی افسوس می‌خورند که چرا اقدام به خرید بیشتری نکرده اند. اگر دوباره قیمت به سطح حمایت بازگردد آنها احتمالا دست به خرید مجدد خواهند زد. فروشندگانی که به هر دلیل با فروش در سطح حمایت قبلی از بازار خارج شده اند، از فروش بی موقع خود پشیمان هستند و امیدوارند که شانس مجددی برای خرید در جایی که اقدام به فروش کرده بودند بیابند. و گروه آخر - معامله گران بدون تصمیم - اکنون متوجه شده اند که قیمت شروع به رشد کرده و تصمیم دارند در فرصت خوب بعدی خرید کنند و وارد بازار شوند. تمام سه گروه بالا تصمیم دارند که در موج نزولی بعدی خرید کنند و در سطح پایینی بازار تصمیم قطعی برای خرید دارند. طبیعی است که هنگامی که قیمت شروع به کاهش به این سطح کند خریدهایی که این گروهها انجام میدهند میتواند باعث افزایش قیمت شود. هرچه تعداد معامله در سطح حمایت بیشتر باشد اعتبار بیشتری برای آن پدید می آورد. زیرا معامله گران بیشتری به آن منطقه اعتقاد دارند.

میزان معامله در منطقه حمایت یا مقاومت از سه طریق میتواند تعیین شود:

طول مدتی که قیمت در آن سطح باقی مانده؛ 2- حجم معاملات و 3- چگونگی انجام شدن معاملات اخیر.

هرچه زمان باقی ماندن قیمت در یک سطح حمایت یا مقاومت طولانیتر باشد اعتبار بیشتری برای آن حاصل میشود. بعنوان مثال اگر به مدت سه هفته معاملات در یک روند مستقیم و خنثی انجام شود و سپس قیمت شروع به رشد کند آن منطقه بعنوان حمایت اهمیت بیشتری پیدا میکند نسبت به اینکه فقط سه روز در آنجا معامله انجام شده باشد.

حجم معاملات راه دیگری برای تعیین اعتبار خطوط حمایت و مقاومت میباشد که هرچه بالاتر باشد نشاندهنده تعداد بیشتری از معامله گران و اهمیت بیشتر آنست.

سومین راه تعیین درجه اعتبار حمایت و مقاومت بررسی چگونگی اتفاق افتادن معاملات اخیر است. از آنجاکه همواره با عکس العمل معامله گران نسبت به حرکت بازار و موضعی که آنها نسبت به بازار دارند (خرید یا فروش) سروکار داریم، تحرکات بیشتر آنها پتانسیل و قدرت بیشتری به سطح حمایت و مقاومت میدهد.

حال برعکس تصور کنید که قیمتها بجای افزایش ناگهان شروع به کاهش یافتن کنند. در مثال قبل بدلیل بالا رفتن قیمت، برآیند عکس العمل سرمایه گذاران باعث شد که هر روند کاهشی با خریدهای جدیدی روبرو شده و قیمتها دوباره افزایش بیابند (هر بار حمایت جدیدی تشکیل شود).

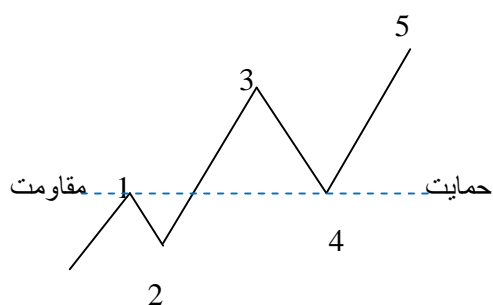
حال اگر قیمت شروع به افت کند و خط حمایت قبلی را بشکنند کسانی که در نزدیکی این خط حمایت خرید کرده بودند متوجه میشوند که اشتباه کردند. سطح حمایت قبلی به دلیل غلبه تقاضا بر عرضه شکل گرفته بود. ولی حالا تمامی دستورات خرید در قیمت پایین بازار تبدیل به دستور فروش در قیمت بالای بازار میشود. اینجاست که حمایت قبلی تبدیل به مقاومت جدید میشود. چیزی که سطح قبلی را بعنوان یک حمایت دارای اعتبار بیشتری

میکرد تعداد معاملات زیادی بود که در آنجا شکل می‌گرفت و این چیزی است که حالا آنرا تبدیل به یک مقاومت کرده است. تمام عواملی که به دلیل عملکرد سه دسته از معامله گران (خریداران، فروشندگان و افراد بدون تصمیم) حمایت را بوجود آورده بود حالا باعث ایجاد یک مقاومت برای موجها و جهش های آتی قیمت میشود. بنابراین بار دیگر میتوان فهمید که الگوهای قیمتی و مفاهیمی مانند حمایت و مقاومت بدان علت مهم است که تصویری از نحوه فعالیت معامله گران بدست میدهد و میتواند برای تشخیص عکس العمل آنها نسبت به بازار بکار رود. عبارت دیگر، تحلیل تکنیکال علم روانشناسی سرمایه گذاران و عکس العمل های آنها نسبت به تغییر شرایط بازار است.

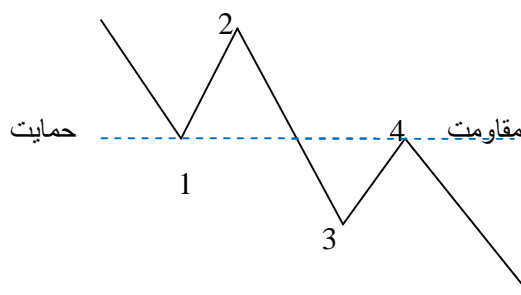
تبدیل حمایت به مقاومت و برعکس: درجه نفوذ

نفوذ قیمت در سطح حمایت به مقدار کافی باعث میشود که این سطح تبدیل به محدوده مقاومت شود و همچنین برعکس. در شکل 5- الف، ملاحظه میکنید که قیمت در حال صعود است. توجه کنید که بالاترین نقطه در موج صعودی قبلی یعنی نقطه 1 سطح مقاومت بوده است ولی موج 2-3 بطور کامل در این سطح نفوذ کرده و از آن عبور میکند. بدین ترتیب مقاومت قبلی تبدیل به سطح حمایت جدید میشود. بدین ترتیب تمام پتانسیل های فروش در نقطه بالای بازار یعنی نقطه 1 (که خط مقاومت را ایجاد کرده بود) اکنون به پتانسیل خرید در قیمت پایین بازار شده است.

در شکل 5-ب نیز که روند نزولی را نشان میدهد نقطه 1 (که قبلا سطح حمایت پایین بازار بوده است) اکنون در نقطه 4 تبدیل به مقاومت شده است و به مانند یک سقف قیمتی عمل میکند.



شکل 5- الف



شکل 5- ب

هرچه نفوذ قیمت در خطوط حمایت و مقاومت بیشتر باشد درجه اعتبار این خطوط بیشتر است. این قانون مخصوصاً در زمانی که این خطوط شکسته میشوند و نقش معکوس پیدا میکنند بیشتر اهمیت دارد. اما منظور از قدر کافی در اینجا چیست؟

نظرات گوناگونی درباره کافی بودن و اعتبار نفوذ وجود دارد. بعنوان معیار، برخی از تحلیلگران 3% نفوذ در داخل سطوح حمایت و مقاومت بزرگ و اصلی را معیار شکسته شدن آنها قرار میدهند. برای حمایتها و مقاومتهاى کوتاهمدت نفوذ کمتری مثلاً در حد 1% کافی بنظر میرسد. در عمل هر معامله گری باید شخصاً در مورد اعتبار نفوذ تصمیم گیری کند. باید به خاطر سپرد که خطوط حمایت و مقاومت تنها زمانی نقششان با یکدیگر تعویض میکنند که قیمت به اندازه کافی تغییر کرده باشد تا معامله گران را درباره اشتباهشان متقاعد کند.

اهمیت قیمت‌های رند در مبحث حمایت و مقاومت

در خیلی موارد سطوح حمایت و مقاومت یا همان ساپورت و رزیزتانس روی اعداد گرد (رند) تشکیل می شوند. دلیل این موضوع نیز ساده است و طبق معمول با یک مثال آنرا توضیح می دهیم. فرض کنید قیمت طلا امروز و الان \$ 1246.60 است و در حال صعود است. اگر شما به این فکر کنید که قیمت تا چه سطحی به این حرکت بالا رونده ادامه می دهد تا جهت آن عوض شود از نظر روانی و به طور نا خودآگاه اعداد گرد شده ای (رند) مانند 1300 و یا 1350 و یا 1500 را برای آن تعیین می کنید و آماده فروش طلا در صورت رسیدن به آن قیمت خواهید شد زیرا دلیل خاصی برای اینکه مثلاً قیمتی مانند \$ 1323.40 برای آن در نظر بگیرید ندارید.

همین روانشناسی ساده بر سایر خریداران و فروشندگان در بازار حاکم است و در صورت رسیدن قیمت به این سطوح حجم بالایی خرید در سطح حمایت یا همان ساپورت و حجم زیادی فروش در سطح مقاومت یا همان رزیزتانس انجام می شود که می توانند باعث عوض شدن جهت حرکت قیمت گردند.

یک اصل کاربردی در بحث اعداد رند اینست که " هرگز دستورات خرید و فروش خود را بر روی این اعداد رند قرار ندهید". بعنوان مثال اگر سرمایه گذاری قصد دارد در پایین موج نزولی وارد بازار شود بهتر است که دستور خرید خود را کمی بالاتر از مهمترین عدد رند بگذارد؛ زیرا در این قیمت رند بسیاری از معامله گران قصد خرید دارند و به همین علت ممکن است به علت تقاضای بالا اصلاً قیمت، چنین عددی نبیند. همینطور در زمان فروش معامله گر بهتر است دستور فروش خود را کمی پایین تر از عدد رند قرار دهد. پس بعنوان یک قانون بهتر است در خاطر داشته باشید که نباید هدفهای قیمتی تان را بر روی اعداد رند لحاظ کنید. تمایل بازار نسبت به قیمت‌های رند و علی الخصوص نسبت به قیمت‌های مهم رند که قبلاً اشاره شد یکی از رفتارهای عجیب بازار است که دانستن آن برای تحلیلگران تکنیکی میتواند بسیار مفید باشد.